

تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی

یحیی حساس یگانه*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۰۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر، یافتن پاسخ به این پرسش اساسی است که "آیا سازو کارهای حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی دارد؟" پرسش مذکور در قالب دو فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی مطرح شده است. سازو کارهای حاکمیت شرکتی با شاخصه های تمرکز مالکیت، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و وجود حسابرسی داخلی اندازه گیری شد و کیفیت حسابرسی با اندازه موسسه حسابرسی مورد سنجش قرار گرفت. برای اندازه گیری مدیریت سود واقعی از سه شاخص جریان های نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه های اختیاری غیرعادی و هزینه های تولید غیرعادی به عنوان نمایندگانی برای مدیریت سود واقعی استفاده گردید. نمونه آماری این تحقیق ۸۱ شرکت طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ (۴۰۵ سال-شرکت) می باشد. آزمون فرضیه ها از طریق مدل رگرسیون چند متغیره، انجام گردید. نتایج یافته های مربوط به فرضیه اصلی اول نشان می دهد که از بین سازو کار حاکمیت شرکتی، اندازه هیئت مدیره و تمرکز مالکیت، تأثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد ولی استقلال هیئت مدیره و وجود حسابرسی داخلی، بر کیفیت حسابرسی تأثیر گذار است. همچنین نتایج نشان می دهد که سازو کارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می شوند. افزون بر آن، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی نیز با توجه به تحلیل های صورت گرفته تأیید می شود؛ به گونه ای که کیفیت حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می گردد. با توجه به تأیید رابطه بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی با مدیریت سود واقعی می توان استدلال نمود که فرضیه اصلی دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی با مدیریت سود واقعی نیز تأیید می شود.

واژه های کلیدی: سازو کارهای حاکمیت شرکتی، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، تمرکز مالکیت،

کیفیت حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: G32, M41, M42

مقدمه

در پی رسوایی‌های مالی اوایل هزاره جدید و بحران مالی جهانی اخیر، موضوع حاکمیت شرکتی و هدایت و کنترل شرکت‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. بررسی مقالات و انتشارات محافل علمی و حرفه‌ای و دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که کمتر موضوعی می‌توان یافت که به اندازه حاکمیت شرکتی مورد توجه و عنایت صاحب‌نظران و پژوهشگران بوده باشد. به واسطه اقبال روز افزون به مسائل حاکمیت شرکتی در جامعه متخاصمان، تحقیقات آکادمیک در این زمینه رونق گرفته و معیارهای نوین در این مورد پدید آمده و می‌آیند و در دانشگاه‌های کشورهای پیشرو در این مورد، موضوع در مقاطع تحصیلات تکمیلی به عنوان یک سرفصل مستقل، تدریس می‌شود. در اهمیت حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت‌ها و رفاه اجتماعی شکی نیست. این موضوع با توجه به رخدادهای اخیر اهمیت بیشتری یافته است. فرو پاشی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون، ورد کام، سیسکو، لیو سنت، گلوبال کرو سینگ، سان‌بیم، تیکو، زیراکس و... که موجب زیان بسیاری از سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان شد و ناشی از سیستم‌های ضعیف حاکمیت شرکتی بود، موجب تاکید بیشتر بر ضرورت ارتقا و اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده است. اهمیت حاکمیت شرکتی و افزون بر آن، اهمیت کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی که در تحقیقات اخیر کمتر به آنها عنایت شده، نشان داده است که خلاء تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد. از این رو، در این مطالعه، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی، مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

تفکیک مالکیت از مدیریت و تاسیس شرکت‌های بزرگ موجب تضاد منافع سهامداران و مدیران شده و سهامداران نگران دستکاری سود توسط مدیریت برای مقاصد و اهداف خود می‌باشند. سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل سازوکارهای درون سازمانی و برون سازمانی یکی از ابزارهایی است که موجب می‌شود امکان دستکاری سود کاهش یافته و به شفافیت شرکتی کمک کند. یکی از سازوکارهای برون سازمانی حاکمیت شرکتی، حسابرسی مستقل است که در پیشگیری از دستکاری و مدیریت سود نقش دارد. ادبیات و پیشینه موضوع نشان

می‌دهد، تحقیقات بسیاری در مورد رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابداری و مدیریت سود انجام شده است که نتایج یکسانی نداشته و می‌توان آنها را در دو گروه متمایز دسته‌بندی کرد. از یک سو، یافته‌های گروه اول حکایت از وجود رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابداری و مدیریت سود واقعی دارد. به عنوان مثال، بلک، کیم، جانگ و پارک (۲۰۰۹) به بررسی ارتباط بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی در سطح شرکت و ارزش بازار، مدیریت سود و کیفیت حسابداری در شرکت‌های کره‌ای پرداخته‌اند. آنها دریافتند که رابطه قوی و مثبتی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کره جنوبی و ارزش بازار، مدیریت سود و کیفیت حسابداری شرکت‌ها وجود دارد. همچنین، آنها به عنوان یک آزمون اضافی، به این نتیجه رسیدند که این رابطه با در نظر گرفتن برخی از سازوکارها همچون استقلال هیئت‌مدیره و وجود حسابداری داخلی نیز معنی‌دارتر است.

اوکانل و کرامر (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، خصوصیات هیئت‌مدیره و برخی از سازوکارهای درون سازمانی بر کیفیت حسابداری و مدیریت سود واقعی و عملکرد شرکت در کشور ایرلند پرداخته‌اند. در تحقیق مذکور ۷۷ شرکت در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ مطالعه شده است. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که حضور مدیران غیرموظف و مستقل در هیئت‌مدیره شرکت‌ها تأثیر مثبتی بر عملکرد و مدیریت سود دارد، ولی اندازه هیئت‌مدیره تأثیر معناداری بر عملکرد، کیفیت حسابداری و مدیریت سود واقعی ندارد. همچنین تمرکز مالکیت رابطه معنی‌داری با مدیریت سود دارد.

از سوی دیگر، پژوهشگران گروه دوم به شواهدی که حاکی از وجود رابطه مذکور باشد، دست نیافتند. به عنوان مثال، می‌توان از یافته‌های تحقیق ماکنی و همکاران (۲۰۱۲) یاد کرد که مبین این موضوع است که از دیدگاه حاکمیت شرکتی حضور سرمایه‌گذاران نهادی در هیئت‌مدیره با تقاضا برای حسابداری با کیفیت رابطه منفی معنی‌دار دارد. سرمایه‌گذاران نهادی عبارتند از نهادهایی نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و... هدف سرمایه‌گذاران نهادی با توجه به میزان سرمایه‌گذاری آنها متفاوت است. هدف عمده سرمایه‌گذاران نهادی این است که در کوتاه مدت به حداکثر بازدهی برسند. بنابراین، با توجه به نفوذی که بر مدیریت دارند مدیریت را تشویق به اتخاذ رویه‌هایی می‌نمایند که در کوتاه مدت به بازدهی برسند. با توجه به این که آنها تمایل ندارند این خط مشی آنها افشا شود، از نفوذ خود در هیئت‌مدیره استفاده کرده و

تقاضا برای حسابرس با کیفیت پایین تر خواهند داشت. بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از آنها وجود رابطه معنی‌دار بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی را تأیید کرده‌اند. افزون بر آن، بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، دستکاری سود از طرق دستکاری اقلام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی صورت می‌گیرد. تاکنون تحقیقات فراوانی در کشورمان درباره تأثیر متغیرهای مختلف بر مدیریت سود از نوع مدیریت اقلام تعهدی انجام شده که از جمله آن می‌توان به تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی و شاخص‌های کیفیت حسابرسی بر مدیریت اقلام تعهدی و شفافیت گزار شگری مالی اشاره نمود. با این وجود، بررسی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی کمتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. با توجه به خلاء تحقیقاتی موجود، در تحقیق حاضر، رابطه بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابرسی و مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی مورد مطالعه قرار گرفته و به توانایی حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی برای محدود نمودن مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی (دستکاری فروش، کاهش هزینه‌های اختیاری و اضافه تولید) پرداخته شده است. عبارت دیگر، تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی درخور و علمی به این پرسش است که:

" آیا سازو کارهای حاکمیت شرکتی رابطه معناداری با کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی دارد؟"

در این تحقیق، سازو کار حاکمیت شرکتی به کمک شاخصه‌های تمرکز مالکیت، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، وجود حسابرسی داخلی، کیفیت حسابرسی به وسیله متغیر اندازه موسسه حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی اندازه‌گیری می‌گردد.

پیشینه تحقیق

سازو کارهای حاکمیت شرکتی

در مورد حاکمیت شرکتی تحقیقات مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. در این تحقیقات سازو کارهای مختلف حاکمیت شرکتی با متغیرهای مختلف بررسی شده‌اند که برخی از آنها به شرح زیر است:

تحقیقات خارجی

بررسی ر ساله‌های موجود، سایت‌ها، مجلات علمی، پژوهشی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که موضوع حاکمیت شرکتی که به عنوان بخشی از علوم انسانی و اجتماعی مطرح شده است، با اقبال فراوان روبرو شده و از اول هزاره جدید بیشترین تحقیقات علمی در باره آن انجام شده است. برخی از تحقیقات خارجی در این زمینه به شرح زیر است:

موهانتی (۲۰۰۴) سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر کیفیت حسابداری و بازده ۱۱۳ شرکت هندی را بررسی کرد. وی دریافت که نوع و کیفیت اجرای سیستم حاکمیت شرکتی منعکس کننده رفتار شرکت با سهامداران، کارکنان، مشتریان، دولت و جامعه می‌باشد. موهانتی نتیجه‌گیری می‌کند که شرکت‌های با سازوکارهای حاکمیت شرکتی بهتر، بازده بالاتری ایجاد می‌کنند. با این وجود، نتایج تحقیق وی نشان داد که دو سازوکار، اندازه هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت بر کیفیت حسابداری تأثیر معنی‌داری ندارد.

زکا (۲۰۰۶) به بررسی حاکمیت شرکتی در اقتصاد در حال گذر کشور اکراین پرداخت. در این تحقیق زکا رابطه مثبت و قدرتمندی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد بنگاه‌های اقتصادی با سنجش سود خالص می‌یابد. یافته‌های وی همچنین، تأیید می‌کند که حاکمیت شرکتی افزون بر تأثیرگذاری بر اقتصاد کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، بر کشورهای با اقتصاد در حال گذر همچون اکراین نیز تأثیرگذار است. با این وجود، نتایج تحقیق وی نشان داد که متغیر تمرکز مالکیت تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابداری ندارد.

بلک، کیم، جانگ و پارک (۲۰۰۹) ارتباط بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی در سطح شرکت و ارزش بازار و کیفیت حسابداری در شرکت‌های کره‌ای را بررسی کردند. آنها نشان دادند که رابطه قوی و مثبتی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کره و ارزش بازار شرکت‌ها وجود دارد. همچنین، آنها نشان دادند که برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی چون استقلال هیئت‌مدیره و وجود حسابداری داخلی با کیفیت حسابداری دارای رابطه معنی‌دار است.

اوکانل و کرامر (۲۰۱۰) تأثیر بین تمرکز مالکیت، خصوصیات هیئت‌مدیره و برخی از سازوکارهای درون سازمانی بر کیفیت حسابداری و مدیریت سود واقعی و عملکرد شرکت را

در کشور ایرلند بررسی کرده‌اند. این تحقیق به بررسی ۷۷ شرکت در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ پرداخته است. براساس نتایج تحقیق آنها، حضور مدیران غیرموظف در هیئت مدیره شرکت‌ها در کشور ایرلند تأثیر مثبتی بر عملکرد و مدیریت سود دارد؛ ولی اندازه هیئت مدیره تأثیر معناداری بر عملکرد، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی، ندارد. همچنین تمرکز مالکیت رابطه معنی داری با مدیریت سود دارد.

دی شرما و کانگ (۲۰۱۴) نشان دادند که حاکمیت شرکتی و به‌طور خاص تر، ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی با مدیریت سود تهاجمی در ارتباط است. به‌طور دقیق‌تر آنها نشان دادند که استقلال مدیران (غیر اجرایی)، احتمال مدیریت سود تهاجمی را کاهش می‌دهد؛ تخصص در امور مالی با احتمال پایین‌تری با مدیریت سود تهاجمی در ارتباط است. مالکیت بیشتر سهام برای مدیران غیراجرایی و اجرایی در خدمت کمیته حسابرسی، خطر ابتلا به مدیریت سود تهاجمی را افزایش می‌دهد.

سان و لن (۲۰۱۴)، تأثیرگذاری کمیته‌های حسابرسی در محدود کردن مدیریت سود واقعی و روابط میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و دستکاری فعالیت‌های واقعی را طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ در ایالات متحده مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که هیئت مدیره علاوه بر اعضای کمیته به‌طور مثبت با مدیریت سود واقعی در ارتباط هستند. همچنین کمیته‌های حسابرسی با مدیریت اضافی در محدودسازی مدیریت سود واقعی کمتر موثر می‌باشند.

تحقیقات داخلی

رحمانی و رامشه (۱۳۹۲)، موضوع رابطه جایگزین میان مدیریت سود مبتنی اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی، را با انتخاب نمونه‌ای شامل ۲۰۸ شرکت - سال مشکوک به مدیریت سود، برای دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ مورد پژوهش قرار دادند. نتایج پژوهش تا حدودی مؤید این مطلب است که مدیران بر مبنای هزینه‌های نسبی هریک از این دو روش مدیریت سود، این دو را بر اساس یک رابطه جایگزینی مورد استفاده قرار می‌دهند. به علاوه، نتایج نشان می‌دهد مدیران براساس سطح مدیریت فعالیت‌های واقعی انجام شده طی سال، سطح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی را تعدیل می‌کنند.

یزدانیان (۱۳۸۵)، سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود در ایران را بررسی کرد. در این تحقیق ۴ مورد از متغیرهای حاکمیت شرکتی (وجود سرمایه‌گذاران نهادی- وجود مدیران غیرموظف- تفکیک وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره - وجود حسابرسان داخلی) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق ایشان مؤید این است که در شرکت‌هایی که درصد مالکیت سهامداران نهادی در آنها بیش از ۴۵ درصد می‌باشد، وجود سهامداران نهادی با مدیریت سود رابطه معنادار دارد.

فعلی (۱۳۸۷) رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت را بررسی نموده است. در این تحقیق، تأثیر سهامداران نهادی و درصد مدیران غیرموظف بر ارزش شرکت بررسی شده است. جامعه آماری تحقیق ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی تحقیق ۴ سال می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داده است که با وجود سهامداران نهادی زیاد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی‌داری بین درصد مدیران غیرموظف و ارزش شرکت وجود ندارد. نتیجه کلی بیانگر این است که بین متغیرهای حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرس

در زمینه رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرس، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که برخی از آنها به شرح زیر است:

تحقیقات خارجی

مهمترین تحقیقات انجام شده درباره کیفیت حسابرسی، اندازه موسسات حسابرسی است. دی انجلو (۱۹۸۱) معتقد است که موسسه‌های حسابرسی بزرگتر، انگیزه قویتری برای حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند؛ زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بیشتری در بازار بدست آورند و از آنجا که تعداد صاحبکارانشان زیاد است نگران از دست دادن آنها نمی‌باشند.

تو و ونگ (۱۹۹۳) تحقیقی با عنوان "کیفیت حسابرسی درک شده و ضریب عکس‌العمل سود" انجام دادند. نتایج نشان داد سود شرکت‌هایی که هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی آنها را حسابرسی کرده‌اند، با کیفیت تر بوده و منجر به افزایش ارزش بازار شرکت می‌گردد.

کریشن (۲۰۰۳) سود را به سه بخش وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، ارقام تعهدی غیراختیاری و ارقام تعهدی اختیاری تقسیم نمود و به این نتیجه دست یافت که ارتباط میان ارقام تعهدی اختیاری و بازده سهام در شرکت‌هایی که توسط ۶ موسسه بزرگ حسابرسی می‌شوند نسبت به سایر شرکت‌ها، قوی‌تر است.

چوی و همکاران (۲۰۱۰) تأثیر اندازه موسسه حسابرسی را بر کیفیت حسابرسی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد، اندازه موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی دارای ارتباط مثبتی می‌باشد. علت این امر این است که موسسه حسابرسی بزرگتر از نظر مالی وابستگی کمتری به یک صاحبکار خاص دارد. بنابراین بهتر می‌تواند در برابر فشارهای صاحبکار مبنی بر صدور گزارش جانبدارانه یا خلاف واقع مقاومت نماید. همچنین نتایج نشان می‌دهد اندازه موسسه حسابرسی نسبت به تخصص در صنعت تأثیر بیشتری بر کیفیت حسابرسی دارد.

تحقیقات داخلی

مداحی (۱۳۸۳) اثربخشی حسابرسی‌های انجام شده در ایران را مورد بررسی قرار داد. محقق در جستجوی یافتن پاسخ به این پرسش بوده است که: آیا حسابرسی انجام شده در ایران در کشف اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت اثر بخش است؟ براساس بررسی‌های انجام شده در بورس تهران، نتایج تحقیق نشان داد که حسابرسی‌ها بطور معناداری منجر به کشف تحریفات موجود در صورت‌های مالی می‌شود، اما تفاوت معناداری بین تحریفات کشف شده و تحریفات موجود در صورت‌های مالی وجود ندارد.

جعفری (سال ۱۳۸۵) عوامل موثر بر استقلال و شایستگی حسابداران رسمی را در ارائه خدمات مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق، کیفیت حسابرسی به عنوان شایستگی حسابرس در کشف تحریفات با اهمیت و گزارش آن، در نظر گرفته شده است. محقق عواملی همچون تخصص‌گرایی حسابرسان، وجود قوانین و مقررات و همچنین اندازه موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران را بررسی نموده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین اندازه موسسات حسابرسی و انگیزه آنها در حفظ بی‌طرفی در گزارش تحریفات کشف شده، رابطه معناداری وجود دارد.

حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابر سی و اندازه حسابر س پرداختند. نتایج تحقیق ایشان مبین رابطه معنادار و معکوس کیفیت حسابر سی و اندازه حسابر س است.

مدیریت سود

تحقیقات خارجی

گراهام و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که مدیران تمایل بیشتری به استفاده از مدیریت سود واقعی نسبت به مدیریت اقلام تعهدی دارند؛ زیرا استفاده از مدیریت سود واقعی ۸۰٪ کاهش در مخارج اختیاری و ۵۵٪ تاخیر در پروژه را در بر داشته است؛ در حالی که درمقایسه با مدیریت اقلام تعهدی، تنها ۲۸٪ برگشت ذخایر و ۸٪ تغییر در مفروضات حسابداری را نشان می دهد (گراهام و دیگران، ۲۰۰۵).

مک وی (۲۰۰۶) نشان داد که مدیران به منظور اقدامات فرصت طلبانه مدیریت سود، هزینه‌هایی را از هزینه‌های اصلی (هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری) به اقلام خاصی در صورت حساب سود و زیان جابجا می کنند. این جابجایی عمودی تأثیری بر سود خالص ندارد اما باعث می شود هسته اصلی سود بیش از واقع ارزیابی شود. جابجایی در طبقه بندی اقلام صورت حساب سود و زیان، هزینه نسبتاً کمی را در بردارد؛ علاوه بر این، چون تخصیص هزینه‌ها به حساب‌های خاص به شکل ذهنی (قضایوتی) انجام می گیرد، حسابر سان کمتر قادر هستند که طبقه بندی مناسب را تشخیص دهند و بعلاوه اینکه مبلغ سود خالص تغییر نمی یابد، حسابر سان وقت کمتری را در خصوص شناسایی این نوع طبقه بندی یا اصلاحات این حساب‌ها صرف می کنند.

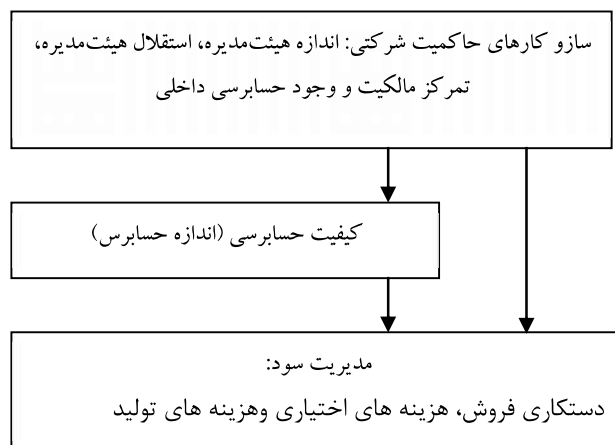
فن و دیگران (۲۰۱۰) با اقتباس از تحقیق مک وی استفاده از روش جابجایی در طبقه بندی اقلام را به صورت فصلی بررسی نمودند. آنها نشان دادند که جابجایی در طبقه بندی اقلام صورت حساب سود و زیان در فصل چهارم سال نسبت به سایر فصول، بیشتر انجام می شود. آنها همچنین نتیجه گیری کردند هنگامی که مدیران قادر به دستکاری سود نباشند به جابجایی اقلام در طبقه بندی صورت حساب سود و زیان روی می آورند. شواهد تحقیق آنها نتایج تحقیق مک وی را تایید نمود.

روش کلی تحقیق

تحقیق حاضر از بابت هدف کاربردی بوده و از بابت روش، تو صیفی همبستگی است. در این تحقیق سعی می شود ضمن طرح شاخص ها (سازو کارها)ی جدید حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، تأثیر آنها بر کاهش مدیریت سود و بهبود کیفیت سود حسابداری بررسی شود.

فرضیه های تحقیق

بر اساس مطالعات اکتشافی و بررسی ادبیات و پیشینه موضوع که در قسمت بیان مسئله مطرح شد، مدل مفهومی زیر که مبنای تدوین فرضیه های تحقیق قرار گرفته به شرح شکل ۱ است:



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

همان گونه که ذکر شد، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابرسی و همچنین رابطه این دو متغیر با مدیریت سود واقعی می باشد. در راستای این هدف و بر اساس مدل مفهومی، دو فرضیه اصلی تحقیق به شرح زیر است:

فرضیه اصلی اول: سازو کارهای حاکمیت شرکتی تأثیر معنی داری بر کیفیت حسابرسی دارد.

فرضیه ی اصلی اول پژوهش را می توان به چهار فرضیه فرعی به شرح زیر تقسیم کرد:

فرضیه فرعی اول: اندازه هیئت مدیره تأثیر معنی داری بر کیفیت حسابرسی دارد.

فرضیه فرعی دوم: استقلال هیئت مدیره تأثیر معنی داری بر کیفیت حسابرسی دارد.

فرضیه فرعی سوم: تمرکز مالکیت تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابداری دارد.
 فرضیه فرعی چهارم: وجود حسابداری داخلی تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابداری دارد.
 فرضیه اصلی دوم: سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری تأثیر معنی‌داری بر مدیریت سود دارد.

برای این منظور متغیرهای وابسته تحقیق بصورت زیر اندازه‌گیری شده است:

مدیریت سود: از طریق دستکاری ارقام واقعی شامل دستکاری فروش، هزینه‌های اختیاری و هزینه‌های تولید، محاسبه می‌شود که هر یک از آنها از طریق محاسبه مغایرت مبلغ واقعی با مبلغ عادی برآوردی بصورت زیر بدست می‌آید:

جریانان نقد عملیاتی عادی - جریانان نقدی عملیاتی واقعی = جریانان نقد عملیاتی غیرعادی

هزینه‌های اختیاری عادی - هزینه‌های اختیاری واقعی = هزینه‌های اختیاری غیرعادی

هزینه‌های تولید عادی - هزینه‌های تولید واقعی = هزینه‌های تولید غیرعادی

روش تحقیق

داده‌های جمع‌آوری شده، ابتدا در قالب بانک اطلاعات ذخیره شده و سپس با انتقال این داده‌ها به نرم افزار STATA و اکسل زمینه تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق رگرسیون و نتایج حاصل از آنها با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های همبستگی فراهم شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. ابتدا تأثیر هر یک از سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابداری در مدل‌های رگرسیونی جداگانه بررسی و سپس اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر کیفیت سود حسابداری (عدم دستکاری فعالیت‌های واقعی) بطور همزمان و جداگانه آزمون گردیده است.

جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به علت گستردگی حجم و وجود برخی ناهماهنگی‌ها بین اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری به روش حذفی (غربالگری) در نظر گرفته شد:

- سال مالی منتهی به پایان اسفندماه هر سال بوده و داده‌های مورد نیاز برای هر شرکت موجود و در دسترس باشد.
- شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱، تغییر سال مالی نداده باشد.
- شرکت تا قبل از سال مالی ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- معاملات سهام شرکت پیوسته در اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از یک ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.
- شرکت جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.

از تعداد ۴۴۶ شرکت موجود در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری به دلیل تفاوت قابل توجه در اهداف و فعالیت‌ها و به تبع آن متفاوت بودن ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌های این گونه واحدهای تجاری در مقایسه با سایر شرکت‌ها کنار گذاشته شدند. در گام دوم با در نظر گرفتن شرایط ارائه شده برای انتخاب نمونه و این موضوع که قلمرو زمانی پژوهش شامل پنج دوره مالی منتهی به سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ است، شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی آن‌ها برای هر پنج دوره مالی فوق در دسترس نبوده است، کنار گذاشته شد و در نتیجه ۸۱ شرکت در نمونه پژوهش باقی ماند.

مدل‌های تحقیق و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا تأثیر هر یک از سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی در مدل‌های رگرسیون جداگانه بررسی می‌شود. سپس در مدل سوم اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود، آزمون می‌شود.

مدل ۱

$$A.SIZE = \alpha_0 + \alpha_1 B.SIZE + \alpha_2 B.IND + \alpha_3 O.CON + \alpha_4 \text{inter } A + \varepsilon$$

که در آن:

B.SIZE: اندازه هیئت‌مدیره که برابر است با تعداد اعضای آن

B.IND: استقلال هیئت‌مدیره که برابر است با نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل

اعضا

O.CON: تمرکز مالکیت که برابر است با مجموع توان دوم درصد مالکیت سهامداران نهادی (مالکان حقیقی و حقوقی دارای بیش از ۵ درصد سهام شرکت)

A.SIZE: اندازه حسابرس

inter A: وجود حسابرس داخلی

مدل ۲

$$A. CFO / A. DISEXP / A. PROD = \alpha_0 + \alpha_1 B. SIZE + \alpha_2 B. IND + \alpha_3 O. CON + \alpha_4 interA + \alpha_5 AS + \alpha_6 NI + \alpha_7 SIZE + \alpha_8 MTB + \varepsilon$$

تعریف متغیرهای مدل ۲ به شرح زیر است:

A. CFO: جریانات نقدی عملیاتی غیر عادی، که معادل انحراف جریانات نقد عملیاتی واقعی شرکت از مبلغ برآوردی آن است. مبلغ برآوردی از طریق ضرایب بدست آمده از مدل رگرسیونی زیر (مدل رویچودری) بدست می‌آید:

مدل ۳

$$CFO_t / A_{t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1/AT-1) + \alpha_2 (St/A_{t-1}) + \alpha_3 (\Delta S_t / A_{t-1}) + \varepsilon$$

که در آن:

CFO جریانات نقد عملیاتی، S فروش خالص و A مجموع دارایی‌ها است.

این الگو بر اساس الگوی دچو و همکاران (۱۹۹۸) تدوین یافته است. سطح عادی CFO به صورت تابعی خطی از فروش و تغییرات در فروش بیان می‌شود. برای هر سال - شرکت، جریانات نقدی غیر عادی (ACFO)، تفاوت بین CFO واقعی و CFO مورد انتظار است که از طریق الگوی سال-صنعت متناظر محاسبه می‌شود.

A.DISEXP: هزینه‌های اختیاری (هزینه‌های فروش، اداری و عمومی) غیر عادی، که معادل انحراف هزینه‌های اختیاری واقعی شرکت از مبلغ برآوردی آن است. مبلغ برآوردی از طریق ضرایب بدست آمده از مدل رگرسیونی زیر (مدل رویچودری) بدست می‌آید:

$$EXP_t / A_{t-1} = \alpha_1 + \alpha_2 (1/AT-1) + \alpha_2 (St/A_{t-1}) + \varepsilon$$

مدل ۴

که در آن EXP هزینه‌های اختیاری، R& D هزینه‌های تبلیغات، عمومی، اداری و فروش، S فروش خالص و A مجموع دارایی‌ها است.

رویچودری این الگو را بر اساس فرضیات الگوی دجو و همکاران (۱۹۹۸) تدوین و فرض می‌کند هزینه‌های اختیاری تابعی خطی از فروش است.

A.PROD: هزینه‌های تولید غیرعادی، که معادل انحراف هزینه‌های تولید واقعی شرکت از مبلغ برآوردی آن است. مبلغ برآوردی از طریق ضرایب بدست آمده از مدل رگرسیون زیر (مدل رویچودری) بدست می‌آید:

مدل ۵

$$\text{PRODt} / A_{t-1} = \alpha_1 + \alpha_2 (1/AT-1) + \alpha_3 (St/A_{t-1}) + \alpha_4 (\Delta S_{t-1} / A_{t-1}) + \alpha_5 (S_{t-1} / A_{t-1}) + \varepsilon$$

تعریف متغیرهای مدل ۵ به شرح زیر است:

PROD: هزینه‌های تولید

S: فروش خالص

برای هر سال شرکت، هزینه‌های تولید غیرعادی (APROD) از تفاوت بین هزینه‌های تولید واقعی و هزینه‌های تولید برآورد شده از طریق الگو سال-شرکت متناظر به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی:

NI: سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه تقسیم بر جمع دارایی‌ها

SIZE: اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری هر سهم شرکت

یافته‌های تحقیق

تفسیر نتایج تحلیل رگرسیون مبتنی بر دستکاری فروش و دستکاری هزینه‌های اختیاری و هزینه‌های تولید نشان می‌دهد که آماره F و سطح معنی‌دار مربوط و مقایسه آن با سطح خطا (۰/۰۱) بیانگر معنی‌دار بودن مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. آماره دوربین واتسن (که مقدار آن بین ۱/۵ و ۲/۵ است) بیانگر عدم وجود همبستگی در اجزای خطای

مدل رگرسیون است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع اجزای خطا (باقیمانده)، شکل ظاهری، میانگین و انحراف معیار در این توزیع، بر نرمال بودن آن صحه می‌گذارد.

تجزیه و تحلیل مدل‌های پژوهش

برای تحلیل مدل‌های پژوهش از مجموعه داده‌های ترکیبی استفاده شده است. بدین ترتیب که چند شرکت در طول زمان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در داده‌های ترکیبی ابتدا باید برای انتخاب بین روش‌های تلفیقی و تابلویی از آزمون F لیمر استفاده شود؛ رد فرضیه صفر بیانگر معنی‌داری اثرات ثابت و استفاده از روش اثرات ثابت می‌باشد. هنگامی که روش تابلویی انتخاب شد، مرحله بعد به آزمون هاسمن برای تصمیم‌گیری در رابطه با استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده اختصاص دارد. در آزمون هاسمن اگر فرضیه صفر قابل رد کردن نباشد، روش اثرات تصادفی به روش اثرات ثابت ترجیح داده می‌شود و به عنوان روش مناسب‌تر و کارا تر انتخاب می‌گردد در غیر این صورت روش اثرات ثابت کارا است.

نگاره (۱): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

$AS = \alpha + \alpha_1 BS + \alpha_2 BI + \alpha_3 OC + \alpha_4 IA + \varepsilon$				
مقدار احتمال	آماره t	خطای استاندارد	برآورد ضریب	شاخص آماری متغیر
۰/۷۳۶۸	۰/۳۳۶۳۹۲	۰/۳۷۱۳۵۳	۰/۱۲۴۹۲۰	عرض از مبدأ
۰/۵۴۷۷	۰/۶۰۱۷۵۹	۰/۰۷۳۷۰۱	۰/۰۴۴۳۵۰	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۲۶	۲/۲۳۴۳۰۹	۰/۱۳۳۱۱۶	۰/۲۹۷۴۲۳	استقلال هیئت‌مدیره
۰/۸۰۹۷	۰/۲۴۰۹۸۰	۰/۰۹۷۶۱۹	۰/۰۲۳۵۲۴	تمرکز مالکیت
۰/۰۰۱۳	۳/۲۳۲۴۵۰	۰/۰۴۳۷۷۳	۰/۱۴۱۴۹۳	وجود یا عدم وجود حسابرس داخلی
ضریب تعیین: ۰/۰۴			آماره F (احتمال): ۴/۳۱۶ (۰/۰۰۱)	
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۰۳			آماره دوربین واتسون: ۱/۵۹	

با توجه به نتایج منعکس در نگاره ۱، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که، فرضیه‌های فرعی دوم و چهارم تأیید می‌شود. با توجه به تأیید این دو فرضیه فرعی، در رابطه با فرضیه اصلی اول پژوهش مبنی تأثیر معنادار سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابداری در شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می توان بیان نمود که از بین چهار سازو کار حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، تمرکز مالکیت و وجود یا عدم وجود حسابرس داخلی) تنها دو سازو کار استقلال هیئت مدیره و وجود یا عدم وجود حسابرس داخلی بر کیفیت حسابرسی تأثیر معنی داری دارند. بنابراین فرضیه اصلی اول پژوهش نیز بر اساس این دو سازو کار، تأیید می شود.

نگاره (۲): نتایج تخمین مدل مربوط به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی با جریان های نقد عملیاتی غیر عادی

$ACFO = \alpha + \alpha_1 BS + \alpha_2 BI + \alpha_3 OC + \alpha_4 IA + \alpha_5 AS + \alpha_6 NI + \alpha_7 SIZE + \alpha_8 MTB + \varepsilon$					
متغیر	شاخص آماری	برآورد ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
عرض از مبدأ		-۷/۶۸۱۵۲۵	۰/۳۹۶۸۰۰	-۱۹/۲۵۷۸۶	۰/۰۰۰
اندازه هیئت مدیره		۰/۰۰۱۷۰۳	۰/۰۰۵۱۰۴	۰/۳۳۳۶۲۳	۰/۷۳۸۹
استقلال هیئت مدیره		-۰/۲۴۴۸۳۳	۰/۰۹۳۹۶۳	-۲/۶۰۵۶۳۴	۰/۰۰۹۳
تمرکز مالکیت		-۰/۰۰۷۰۸۳	-۰/۰۱۳۳۳۱	-۰/۵۳۱۲۷۱	۰/۵۹۵۶
وجود یا عدم وجود حسابرسی داخلی		-۰/۰۲۰۱۰۴	۰/۰۶۴۷۸۵	-۱/۳۱۰۳۱۰	۰/۰۵۶۴
کیفیت حسابرسی		-۰/۲۰۱۹۰۴	-۰/۰۶۷۱۳۴	-۳/۰۰۷۴۷۹	۰/۰۰۴۰
سود خالص مقیاس زدایی شده با کل دارایی ها		۰/۴۳۲۲۰۳	۰/۱۱۸۶۷۲	۳/۶۴۲۰۱۳	۰/۰۰۰۳
اندازه شرکت		۰/۵۷۰۷۴۴	۰/۰۲۹۴۹۲	۱۹/۳۵۲۶۴	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری هر سهم		-۰/۰۰۰۲۶۲	۰/۰۰۰۸۵۰	-۰/۳۰۷۷۶۲	۰/۷۵۸۵
آماره F (احتمال): ۸/۷۳ (۰/۰۰۰۰)		ضریب تعیین: ۰/۳۹			
آماره دوربین واتسون: ۲/۲۲		ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۳			

با توجه به نتایج منعکس در نگاره ۲، می توان نتیجه گرفت، متغیر استقلال هیئت مدیره و تمرکز مالکیت، وجود یا عدم وجود حسابرس داخلی و کیفیت حسابرسی بر جریان های نقد عملیاتی غیر عادی تأثیر معناداری دارد. با توجه به علامت ضریب متغیرهای مذکور نیز چنین

می‌توان استدلال نمود که این متغیرها بر جریان‌های نقد عملیاتی غیر عادی تأثیر منفی دارد. بنابراین، همان‌طور که از لحاظ نظری انتظار می‌رود تأثیر سازوکارهای مذکور منجر به کاهش دستکاری فروش شود، از لحاظ تجربی نیز این انتظار تأیید گردید. از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیرهای سود خالص و اندازه شرکت بر متغیر وابسته تأثیر معناداری دارند.

نگاره (۳): نتایج تخمین مدل مربوط به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری با هزینه‌های اختیاری غیر عادی

$EXPT = \alpha + \alpha_1 BS + \alpha_2 BI + \alpha_3 OC + \alpha_4 IA + \alpha_4 AS + \alpha_5 NI + \alpha_6 SIZE + \alpha_7 MTB + \varepsilon$					
متغیر	شاخص آماری	برآورد ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
عرض از مبدأ		۱/۰۷۱۰۷۲	۰/۱۵۹۳۲۰	۶/۷۲۲۷۵۵	۰/۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره		۰/۰۰۰۳۰۱	۰/۰۰۱۷۱۹	۰/۱۷۵۴۰۰	۰/۸۶۰۹
استقلال هیئت‌مدیره		۰/۰۰۲۲۳۵	۰/۰۰۲۳۸۹	۰/۹۳۵۴۶۱	۰/۳۵۰۳
تمرکز مالکیت		-۰/۰۳۴۳۳۱	۰/۰۰۷۳۱۰	-۴/۶۹۶۵۳۵	۰/۰۰۰
وجود یا عدم وجود حسابرس داخلی		۰/۰۰۱۶۳۰	۰/۰۰۳۱۹۰	۰/۵۱۱۰۴۹	۰/۶۰۹۷
کیفیت حسابداری		-۰/۰۰۲۱۴۵	۰/۰۰۱۵۳۶	-۱/۳۹۶۵۹۰	۰/۱۶۳۵
سود خالص مقیاس‌زدایی شده با کل دارایی‌ها		۰/۰۲۹۳۹۳	۰/۰۰۶۶۸۰	۴/۴۰۰۱۰۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت		۰/۰۲۰۲۷۲	۰/۰۱۱۱۹۲	۱/۸۱۱۳۸۳	۰/۰۷۰۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری هر سهم		-۰/۰۰۰۱۰۲	۰/۰۰۰۲۸۶	-۰/۳۵۵۸۸۶	۰/۷۲۲۲
آماره F (احتمال): ۳/۴۷ (۰/۰۰۰۰)					ضریب تعیین: ۰/۴۹
آماره دوربین واتسون: ۲/۳۶					ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۵

با توجه به نتایج منعکس در نگاره ۳، می‌توان به شکل زیر نتیجه‌گیری کرد:

مقدار احتمال متغیر تمرکز مالکیت حکایت از این دارد که این متغیر بر هزینه‌های اختیاری غیر عادی تأثیر معناداری دارد. با توجه به علامت ضریب متغیر مذکور (۰/۰۳-) نیز چنین می‌توان استدلال نمود که این متغیر بر هزینه‌های اختیاری غیر عادی تأثیر منفی دارد. بنابراین،

همان‌طور که از لحاظ نظری انتظار می‌رفت، سازو کار تمرکز مالکیت منجر به کاهش دستکاری هزینه‌های اختیاری شود، از لحاظ تجربی نیز این انتظار تأیید می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیر سود خالص بر متغیر وابسته تأثیر معناداری دارد.

نگاره (۴): نتایج تخمین مدل مربوط به بررسی رابطه بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی با هزینه‌های تولید غیر عادی

$PROD = \alpha + \alpha_1 BS + \alpha_2 BI + \alpha_3 OC + \alpha_4 IA + \alpha_5 AS + \alpha_6 NI + \alpha_7 SIZE + \alpha_8 MTB + \varepsilon$					
متغیر	شاخص آماری	برآورد ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
عرض از مبدأ		۰/۳۴۸۹۵۳	۰/۰۴۴۹۸۰	۷/۷۵۷۹۰۴	۰/۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره		-۰/۰۲۷۷۲۳	۰/۰۲۰۱۲۸	-۱/۳۷۷۳۲۴	۰/۱۶۹۲
استقلال هیئت‌مدیره		-۰/۶۷۸۶۳۴	۰/۱۹۹۳۹۵	-۳/۴۰۳۴۶۸	۰/۰۰۰۷
تمرکز مالکیت		-۰/۱۴۸۵۰۳	۰/۰۸۲۲۴۸	-۱/۸۰۵۵۶۵	۰/۰۷۱۹
وجود یا عدم وجود حسابرسی داخلی		۰/۰۱۲۰۴۲	۰/۰۴۳۶۰۴	-۰/۲۷۶۱۶۸	۰/۷۸۲۶
کیفیت حسابرسی		-۰/۰۲۸۱۲۵	۰/۰۰۶۷۰۳	-۴/۱۹۶۰۵۰	۰/۰۰۰
سود خالص مقیاس زدایی شده با کل دارایی‌ها		۰/۳۱۴۷۲۵	۰/۰۶۳۰۳۶	۴/۹۹۲۷۹۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت		۰/۷۲۰۲۰۵	۰/۳۵۷۷۳۵	۲/۰۱۳۲۳۶	۰/۰۴۴۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری هر سهم		-۰/۰۰۳۰۸۵	۰/۰۰۴۶۰۵	-۰/۶۶۹۸۴۷	۰/۵۰۳۳
آماره F (احتمال): ۱۰/۱۰۲ (۰/۰۰۰۰)		ضریب تعیین: ۰/۴۵			
آماره دوربین واتسون: ۱/۶۹		ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۴۱			

نتایج منعکس در نگاره ۴، نشان می‌دهد که متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت و کیفیت حسابرسی با هزینه‌های تولید غیر عادی رابطه منفی دارد. بنابراین، همان‌طور که از لحاظ نظری انتظار می‌رفت ابزار این متغیرها منجر به کاهش دستکاری هزینه‌های تولید شود، از لحاظ تجربی نیز این انتظار تأیید می‌شود.

از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیرهای سود خالص و اندازه شرکت بر متغیر وابسته تأثیر معناداری دارند.

نظر به اینکه سازو کارهای حاکمیت شرکت بر مدیریت سود واقعی بر مبنای تحلیل صورت گرفته تأثیر منفی و معناداری دارند می‌توان چنین استدلال نمود که سازو کارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می‌شوند. افزون بر آن، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی نیز با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته تأیید می‌شود. به گونه‌ای که کیفیت حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می‌گردد. با توجه به تأیید تأثیر سازوکار حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی می‌توان استدلال نمود که فرضیه اصلی دوم پژوهش مبنی بر وجود تأثیر معنادار بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی نیز تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی مورد مطالعه قرار گرفت و به توانایی سازوکار حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی برای محدود نمودن مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی (دستکاری فروش، کاهش هزینه‌های اختیاری و اضافه تولید) پرداخته شد.

تکراه (۵): نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی مربوطه

فرضیه	شرح فرضیه	نتیجه	تحقیقات	نتیجه
فرعی اول	اندازه هیئت‌مدیره تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد.	عدم تأیید	ماکتی و همکاران (۲۰۱۲)	غیر همسو
فرعی دوم	استقلال هیئت‌مدیره تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد	تأیید	بلک، کیم، بانک و پارک (۲۰۰۹)	همسو
فرعی سوم	تمرکز مالکیت تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد.	عدم تأیید	موهانتی (۲۰۰۴) و زکار (۲۰۰۶) ماکتی (۲۰۱۲)	غیر همسو
فرعی چهارم	وجود حسابرسی داخلی تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد.	تأیید	بلک، کیم، بانک و پارک (۲۰۰۹)	همسو
فرضیه اصلی اول	سازو کارهای حاکمیت شرکتی تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد	تأیید	بر اساس دو سازو کار، استقلال هیئت‌مدیره و وجود حسابرسی داخلی تأیید می‌شود.	

در مورد فرضیه اصلی دوم همان گونه که توضیح داده شد، برای آزمون تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی در پژوهش جاری از سه شاخص جریان های نقد عملیاتی غیر عادی، هزینه های اختیاری غیر عادی و هزینه های تولید غیر عادی به عنوان نمایندگانی برای مدیریت سود واقعی استفاده شد. نظر به اینکه سازو کارهای حاکمیت شرکت بر مدیریت سود واقعی بر مبنای تحلیل صورت گرفته تأثیر منفی و معناداری دارند می توان چنین استدلال نمود که سازو کارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می شوند. افزون بر آن، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی نیز با توجه به تحلیل های صورت گرفته تأیید می شود. به گونه ای که کیفیت حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می گردد. با توجه به تأیید تأثیر سازو کار حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی می توان استدلال نمود که فرضیه اصلی دوم پژوهش مبنی بر وجود تأثیر معنی دار بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی نیز تأیید می شود. این یافته ها به تحقیق اوکانل و کرامر (۲۰۱۰) همسو است.

با توجه به یافته های تحقیق می توان پیشنهادات کاربردی ذیل را مطرح کرد:

۱. از آنجا که استقلال هیئت مدیره به عنوان یکی از سازو کارهای درون سازمانی حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی تأثیر معنادار دارد، پیشنهاد می شود، قانون گذاران، متولیان و مقررات گذاران بازار سرمایه به موضوع استقلال هیئت مدیره عنایت نموده، در اصلاحیه قانون تجارت و دستورالعمل های جدید به سازو کارها و روش هایی که شناسایی و انتخاب مدیران مستقل را در مجامع ممکن می کند، منعکس کنند.
۲. اهالی بازار سرمایه و پول بر وجود حسابرسی داخلی که بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی تأثیر گذار است بهای بیشتری داده و دانشگاه و انجمن های حرفه ای در ارتقای دانش و مهارت حسابرسان داخلی اقدامات مناسب انجام دهند.
۳. اهالی بازار سرمایه و سرمایه گذاران به استقلال هیئت مدیره به عنوان یک سازو کار درون سازمانی و کیفیت حسابرسی به عنوان یک سازو کار برون سازمانی که نقش ویژه ای در کیفیت سود و شفافیت مالی دارند توجه کنند.

۴. هرچند که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اندازه هیئت‌مدیره بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی تأثیر معنی‌داری نداشته است، لکن با عنایت به مبانی نظری موجود به اهالی بازار سرمایه، پیشنهاد می‌شود به اندازه هیئت‌مدیره نیز توجه نمایند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

با توجه به اهمیت موضوع حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی (که به آن کمتر توجه شد)، به نظر می‌رسد، انجام مطالعات بیشتر و در نظر گرفتن جوانب دیگر مفید و راهگشا باشد. این تحقیق، می‌تواند به عنوان نقطه شروع مطالعات بعدی قرار گیرد. پالایش تحقیق، بررسی تک‌تک سازوکارهای حاکمیت شرکتی، سایر ابعاد و مولفه‌های مرتبط با کیفیت حسابرسی، روش‌های متعدد مدیریت سود، ابعاد و مولفه‌های آن می‌تواند موجبات درک بیشتری از مفاهیم حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود را فراهم سازد. آنچه که بر این اساس پیشنهاد می‌شود، بشرح ذیل است:

۱. استفاده از دیگر سازوکارهای برون سازمانی حاکمیت شرکتی، از قبیل، قوانین موضوعه مناسب، سرمایه‌گذاران نهادی، وجود موسسات رتبه‌بندی و آزمون تأثیر آنها بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی

۲. بکارگیری سایر سازوکارهای درون سازمانی حاکمیت شرکتی، از قبیل کمیته‌های حسابرسی، انتصابات، پاداش، نامزدی هیئت‌مدیره، مدیریت ریسک، کنترل‌های داخلی و... آزمون تأثیر آنها بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی

۳. انجام این تحقیق بر اساس سایر معیارها و سنجه‌های کیفیت حسابرسی

۴. انجام این تحقیق بر اساس سایر روش‌های مدیریت سود که در بخش سوم فصل دوم مطرح شده است

منابع

- جعفری، علی. (۱۳۸۵). عوامل موثر بر استقلال و شایستگی حسابداران رسمی در ارائه خدمات. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی.
- حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۷. شماره ۶۱. صص ۸۵ تا ۹۸.
- مداحی، آزاده. (۱۳۸۳). بررسی اثر بخشی حسابرسی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- والاس، واندای (۲۰۱۰). نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت. ترجمه امیر اصلانی، حامی (۱۳۸۸). تهران: سازمان حسابرسی.
- یزدانیان، نرگس (۱۳۸۶). تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- Beckr,P. ,T. Frecka,and I. Solomon.) 1988 (. A model of the market for MAS and audit service: Knowledge spillovers and auditor-auditor bonding. *Journal of Accounting Literature* 7: 50-64.
- Black, B. S. KimT, chang. and Park, Love, I. , Rachinsky, A. (2009). Corporate governance indices and firms' market values: Time series evidence from Koriam, *Emerging Markets Review*.
- Caylor R. (2009). Strategic revenue recongnition to achieve earnings benchmarks, *Journal of Accounting and Public policy*, Forthcoming.
- Choi , Jong-Hag, Kim Chansog (Francis) ,Kim Jeong-Bon. Zang Yoonseok. (2010). Audit Office Size ,Audit Quality, and Audit pricing. *A Journal of Auditing: Ajournal of practice and theory. A. A. A*.
- D. Sharma\ and Chunli Kuang. (۲۰۱۴). Voluntary Audit Committee Characteristics, Incentives, and Aggressive Earnings Management: Evidence from New Zealand, *International Journal of Auditing*.
- Davidson, R. A. and D. Neu. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary Accounting Research* (Spring): 479-488.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor size and auditor quality. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3 No. 3, pp. 183-99.
- Dechow Patricia M. And Scrand Catherine M. (2004). Earning Quality" , *The research Foundation of CFA Institute*. pp. 37-50.
- Fan Yun , Barua Abhijit , Cready William M. And Thomas Wayne B. (2010). Managing Earnings Using Classification Shifting: Evidence from Quarterly special items. *The Accounting Review*, Vol. 85 , No. 4: 1303-1323.

- Gompers, P, Joy L. Ishii, and Andrew Metrick. (2003). Corporate Governance and Equity Prices. *Journal of Economics*.
- Graham J. R. , Harvey C. R. , Rajgopal S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 40: 3-73.
- Krishnan. (2003). Does Big 6 Auditor Industry Expertise Constrain Earnings Management? *Accounting horizons*. pp. 1-16.
- Lawrence, D. (2004). Corporate governance and firm performance. Georgia State University.
- Makani, L. Gopal. v. Kim, M, (2012). Corporate Governance, Audit quality Evidence from China. *Journal of Accounting and Public Policy*.
- Marquardt, C. And C. Wiedman. (2004 a). How are earnings managed? An examination of specific accruals. *Contemporary Accounting Research* , 21: 461-491.
- McVay S. E. (2006). Earnings management using classification shifting: an examination of core earnings and special items. *The Accounting Review* 81 (3): 501-531.
- Mohanti, R, 2004. impact of Corporate Governance on Audit quality. *Journal of Accounting Literature*.
- Plummer E. and Mest D. (2001). evidence on the management of earnings component. *Journal of Accounting , Auditing & Finance* 16: 301-323.
- Salomon. Jill. And Salmon. A. (2004). Corporate Governance and Accountability. John Wiley & Sons.
- Stubben stephen R. (2010). Discretionary Revenues as a Measure of Earnings Management. *The Accounting Review* 85 (2): 695-717.
- Sun, Jerry and Lan, George. (2014). Independent audit committee characteristics and real earnings management. *Managerial Auditing Journal*. Vol 29 No. 2. pp. 153-172.
- Zaka, V., (2006). Corporate governance and firm performance And audit quality. *Journal of Financial Economics*.